



## بررسی جایگاه هنر اسلامی در فقه امامیه با تأکید بر منظر صاحب جواهر و صاحب مسالک

فاطمه حسن پور<sup>۱</sup>، هرمز اسدی کهباد<sup>۲</sup> ID، محمدرسول آهانگران<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران. dhasanpour@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران. asadih1345@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ahangran@ut.ac.ir

### چکیده

هنر اسلامی، هنری برخاسته از انگاره‌های مختلف بومی، دینی و تاریخی در سرزمین‌های اسلامی است. در این میان، فرهنگ و قواعد اسلامی عصاره اصلی ترسیم‌کننده هنر اسلامی در عرصه‌های مختلف است. نکته‌ای که در این میان قابل توجه است یدایش شاخه‌های مختلف مذهبی در دین اسلام است که این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کنند که این فرق مذهبی چه رویکردی نسبت به هنر اسلامی و مختصات آن داشته‌اند. در این میان فقه امامیه به عنوان مبانی فکری و عملی شیعه مذهب به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فرق اسلامی قابل بررسی است. صاحب جواهر و صاحب مسالک به عنوان یکی از منابع فقه امامی قابل توجه است، بنابراین می‌توان به بررسی رویکرد آن به هنر پرداخت. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فقه امامیه رویکردی مناسب نسبت به هنر اسلامی دارد و در صورت یدایش ابتدال در فضای هنر، قواعد سخت‌گیرانه‌ای را تعیین کرده است.

### اهداف پژوهش:

۱. واکاوی مقوله هنر اسلامی در فقه امامیه.

۲. بررسی هنر اسلامی از دیدگاه صاحب مسالک و صاحب جواهر.

### سوالات پژوهش:

۱. هنر اسلامی چه جایگاهی در فقه امامیه دارد؟

۲. صاحب مسالک و صاحب جواهر چه دیدگاهی نسبت به هنر اسلامی دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۸۶ الی ۹۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

### کلمات کلیدی

هنر اسلامی،

مجازات ابتدال،

صاحب جواهر،

صاحب مسالک.

### ارجاع به این مقاله

حسن پور، فاطمه، اسدی کهباد، هرمز، & آهانگران، محمد رسول. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه هنر اسلامی در فقه امامیه با تأکید بر منظر صاحب جواهر و صاحب مسالک. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۶)، ۸۶-۹۸.



[dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.28](https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.28)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.252946.1415](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.252946.1415)



## مقدمه

هنر اسلامی با داشتن پیشینه‌ای طولانی در بخش‌های مختلف جهان اسلامی، سیر تکوینی پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. هنر اسلامی «هنر آبستره» است. یعنی آن هنر اسلامی که در حقیقت در همه جای دنیا یک رنگ دارد و یک نقش دارد. هنر اسلامی به این علت هنر آبستره شده است که توجه را از کثرت به وحدت که همان معنای توحید باشد بیاورد. «هنر اسلامی» که «هنری آبستره» است توجه، از کثرت به وحدت می‌آورد. یعنی در داخل مسجد، نقش انسان به این علت نیامده است که توجه شما به آن نقش جلب نشود و تنها عبادت خدا را انجام دهید. اتمسفر مسجد طوری است که انسان کمی لطیف تر شده و متوجه یک نکته دقیق می‌گردد که همان کلمه «لا اله الا الله» است. قلمرو هنر اسلامی، نه گزینشی است و نه آرمانی چراکه وسعتی از جهان پیش از تولد تا قیامت را برای روشن کردن طریق رستگاری و یافتن مضامین هنری به هنرمند تقدیم می‌کند و همین قلمرو عظیم با همه فراز و فرودهایش و با تمام واقعیاتش مضامین هنری را به هنرمند عطا می‌کند. فسادها، زشتی‌ها، تجاوزها، ظلم‌ها، دروغ‌ها و سلطه‌گری‌ها همه واقعیت‌اند نه آرمان. هنر، عرفان و حکمت مباین یکدیگر نیستند، بلکه دارای اصلی واحد هستند و حتی حکمت، یعنی فلسفه به معنای حقیقی و الهی آن. هنرمند می‌تواند عارف و حکیم باشد، لذا سعی می‌کند حقایقی را که دیده است عینیت ببخشد و در خارج متحقق کند، چنانچه‌شان یک هنرمند عینیت بخشیدن به طرق گوناگون، گاهی به زبان کلمه و شعر، گاهی به صورت معماری با زبان خشت و گل است. اسلام برخلاف مکاتب بشری و نیز برخلاف ادیان تحریف شده که پیروانش سعی و کوشش در محدود کردن قلمرو نظرگاه‌های دین نسبت به مسایل درونی و شخصی دارند، علاوه بر تعیین وظایف فردی و عبادی و اجتماعی، درباره مقوله هنر و آفرینش زیبایی‌ها به‌وسیله انسان نیز دارای نظر مثبت است، مشروط بر اینکه وسیله انحراف و فساد قرار نگیرد، بلکه وسیله صلاح و اصلاح قرار گیرد در قرآن کریم که نخستین منبع فقهی اجتهادی و پایه شناخت است و نیز در سنت که دومین منبع شناخت معارف است، هنر و زیبایی موردتوجه قرار گرفته است و عالمان اسلامی نیز هر یک به مقتضای شرایط زمان خود، مدارک آنها را در این باره مورد بررسی قرار داده‌اند. خود آنان نیز از ویژگی هنر برخوردار بوده، امروز در حوزه‌های علمی نیروهای آگاه و ماهر متخصص و با ذوق در این زمینه‌ها وجود دارد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال، آثاری به بررسی هنر نزد فرق مذهبی اسلامی پرداخته‌اند. جناتی (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی»، به بررسی مفصل رویکرد هنر و زیبایی از نظر فقه اجتهادی پرداخته است. او در این اثر رابطه هنر و فقه اجتهادی را رابطه‌ای مثبت دانسته است. با این تفاسیر، پژوهش حاضر در صدد است تا به روش توصیفی و تحلیلی و باتکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی هنر شیعی در فقه امامی باتکیه بر دیدگاه صاحب جواهر و صاحب مسالک بپردازد.

## ۱. مفهوم هنر

مفهوم هنر از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و صاحب نظران بوده است. افلاطون و ارسطو هنر را «تقلید» دانسته‌اند؛ ابن سینا آن را «محاکات» و ابن رشد «تشبیه» معنا کرده است. «در نظر افلاطون، تقلید با این معنا که عالم محسوس مرتبه تنزل یافته و شیخ گونه‌ای از عالم مثل است مناسب دارد ... در نظر ارسطو نیز ابداع شاعرانه، نقاشی، هنر و... همه از انواع تقلید است» (ریخته‌گران، ۱۳۸۰: ۲). رهبر انقلاب در بیان تعریف و ویژگی هنر و هنرمند می‌فرماید: «هنر این است که انسان مطلب را به شیواترین شکل و به مؤثرترین نحو بیان کند؛ اما در طرف مقابل هیچ حالت امتناع به وجود نیاورد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان سازمان صداوسیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱). «بی‌شک ابزارهای هنری رساترین، بلیغ‌ترین و کارآمدترین ابزار ابلاغ و تبلیغ پیام است (سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶/۴/۱). «هر هنرمندی به تنهایی یک دنیا است و این خاصیت هنری است که در وجود او است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱). «خصوصیت هنر در این است که آفرینش، جزو ذات آن شمرده می‌شود ... هنر خاصیت آفرینشی دارد. حتی آنجا که شما می‌بینید به ظاهر هنر چیزی را می‌پردازد، در واقع پردازش نیست. اگر عمیق و باطنی ملاحظه کنید، می‌بینید که هنر سرگرم آفرینش است ... شما می‌بینید که از این عناصر معمولی، نقش‌هایی به وجود می‌آورد که ادامه وجود آن عناصر نیستند، بلکه پدیده‌های جدیدی ظاهر شده‌اند. این آفرینش هنر است. به همین علت است که هنر گوهری گران بها است و هنرمند، ارزش واقعی دارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۲/۷). ایشان در بسیاری از رهنمودهای خود با مبنا قراردادن محتوای هنر، آنها را به «هنر دینی و غیردینی»، «هنر اسلامی و غیراسلامی»، «هنر انقلابی و غیرانقلابی» تقسیم کرده‌اند و همواره بر پیشبرد هنر انقلابی و دینی با حقیقت هنر متعهد اصرار داشته‌اند و در برخی موارد ویژگی‌های آنها را نیز بر شمرده‌اند. ایشان در دیدار با جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر درباره اهمیت هنر فرمودند: «هنر موهبتی الهی و حقیقتی بسیار فاخر است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱). ایشان در مقام بیان ویژگی‌های هنر دینی و انقلابی می‌فرمایند: «هنر ملتزم و متعهد، یک حقیقت است و ما باید به آن اقرار کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱). «هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان و بیش از همه، دین مبین اسلام به نشر آن در بین انسان‌ها همت گماشته‌اند و جان‌های پاک‌ی در راه این حقایق نثار شده است را اشاعه دهد و در ذهن‌ها ماندگار و جاودانه کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱). «هنر دینی عبارت است از هنری که بتواند مجسم و ارائه‌کننده آرمان‌های دین اسلام که البته برترین آرمان‌های ادیان الهی است باشد. این آرمان‌ها همان چیزهایی است که سعادت، حقوق معنوی، اعتلا و تقوا و پرهیزگاری انسان و عدالت جامعه انسانی را تأمین می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱). «آن چیزی که در هنر دینی به شدت مورد توجه است اینکه هنر در خدمت شهوت، خشونت، ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار نگیرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱). «هنر دینی عدالت را در جامعه به شکل ارزش معرفی



می‌کند؛ اگرچه شما هیچ اسمی از دین، آیه‌ای از قرآن و حدیثی در باب عدالت در خلال هنرتان نیاورید» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱/ ۵/ ۱۳۸۰). در این مقام می‌توان در نظر ایشان تعهد، نشر معارف الهی، از جمله عدالت و مسائل توحیدی و از دیگر سوی نبود نشر محتوای ضاله، نظیر شهوت و خشونت و ابتذال را جزو ذات هنر دینی دانست. ایشان در باب توقع انقلاب از هنرمندان و هنر انقلابی می‌فرمایند: کشور ایران با همه این خصوصیت‌های فرهنگی عمیقی که شما می‌گویید و راست هم می‌گویید و من هم به همین‌ها اعتقاد دارم، تحقیر شد. پنجاه، شصت سال کسانی بر ما حکومت کردند که آورنده آنها، نه اینکه ما نبودیم؛ زیرا در ایران حکومت مردم به این صورت سابقه نداشت؛ بلکه دلاوری خودشان هم نبود. ای کاش اگر دیکتاتور بودند، دست کم همانند نادرشاه با زور بازوی خودشان، یا همانند آغامحمدخان با حيله‌گری خودشان بر سرکار آمده بودند؛ اما این‌طور نبود. دیگران آمدند و آنها را بر این ملت مسلط کردند و تمام منابع مادی و معنوی این ملت را به غارت بردند. با رنج‌ها و محنت‌های بسیاری، حرکت عظیمی در مقابل این پدیده شوم اتفاق افتاد و توانست با فداکردن جان‌ها و عصیان کردن سینه‌ها در مقابل دشمن غدار به جایی برسد. این زیبا نیست؟ هنر چگونه می‌تواند از کنار این‌ها بی‌تفاوت بگذرد؟ این توقع انقلاب است. هنر انقلابی که ما از اول انقلاب همچنان گفتیم و آن را درخواست کردیم، این است. آیا این توقع زیادی است؟ (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱/ ۵/ ۱۳۸۰). مقوله دیگری که من به‌اختصار آن را عرض می‌کنم، هنر انقلابی است. توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است که توقع زیادی هم نیست (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱/ ۵/ ۱۳۸۰). «انقلاب آن وقتی می‌تواند خودش را در قالب هنر بیاورد که هنرمند خودی داشته باشد و خودش هنرمند را پرورش بدهد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای کنگره شعر حوزه، ۱۵/ ۷/ ۱۳۷۰).

## ۲. تعریف هنر و رابطه آن با فقه

انسان فطرتاً زیبایی خواه آفریده شده است و حواس او آن‌چنان با محیط اطرافش هماهنگی یافته که نغمه دلنشین و بوی خوش، منظره دل‌فریب، لطافت و سرسبزی، برای او لذت‌آور و فرح‌بخش می‌نماید، از طرفی وقتی روح کمال‌جویی با این حس در می‌آمیزد از او انسانی آفرینشگر و خلاق می‌سازد. پدیده‌های جهان را گزینش کرده با احساس خود آن را بازآفرینی می‌کند و از مدد نیروی خیال از پدیده‌های هستی مقوله هنر را به نمایش می‌گذارد چنین کوششی که به آفرینش اثری زیبا می‌انجامد هنر و آفریننده آن هنرمند نامیده می‌شود. هنر تجلی احساس انسان است در قالب محسوس، زبان درون است با مخاطبانی اهل دل، حقیقت را می‌نماید بدون آنکه به وعظ و استدلال بپردازد. زبانی دردمند، زیبایی‌پرور که همه آدمیان را با هر ملیت و نژادی به یکدیگر پیوند می‌دهد. تکنولوژی و تمدن به هنر توانایی می‌بخشد و آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی به اقصی نقاط جهان انتقال می‌دهد. اما هنر، این ودیعه الهی همچنان در میان دو قطب جان و جسم، ماده و معنا، خداجویی و کفر در نوسان بوده است و از دستبرد آفت‌هایی همچون نفس‌پرستی، قدرت‌مداری، استعمار و ابتذال در امان نمانده است؛ لذا هنر با همه عظمت و رسالتی که دارد به هنر متعهد و مسئول و نیز هنری که

ابزار دست سودجویان و قدرت‌طلبان و سرمایه‌داران است تقسیم شده است. هنری که در مسیر تکامل بشری حس خداپرستی و خلیقات انسانی است هنر متعهد و دینی است و هنری که جامعه را به فساد و ابتذال و گمراهی می‌کشاند هنر مبتذل و منفی است. اینجاست که «تکلیف» سر بر می‌آورد و «فقیه» در بیان تکلیف به تکاپو می‌افتد و فقه میان بایدها و نبایدها مرز می‌سازد. گرچه پیچیدگی هنر، بیان دقیق مصادیق احکام تکلیفی، حرمت‌ها و حلیت‌ها را دشوار ساخته است و اگرچه کتب فقه سنتی برخی از مصادیق موجود در زمان خود را مانند خریدوفروش مجسمه و ساخت و یا نگهداری آن و تصویرگری و هنر و خریدوفروش آلات هنر و... موردبحث قرار داده‌اند که می‌تواند دست‌مایه خوبی برای دوران حاضر باشد. اما امروزه جلوه‌های هنر به‌اندازه‌ای گسترده شده است که هنوز صدها پرسش در هنر فراروی مجتهد و مقلد است و تغییرات و مقتضیات زمانی و مکانی بازنگری جدیدی را در موضوع هنر می‌طلبد. گونه‌گونی دیدگاه‌ها در مقوله‌های هنر به‌ویژه هنر، مجسمه‌سازی در فقه بسیار مشهود است چنانچه در هنر تا هیجده نظریه برشمرده‌اند. این نظریات امروزه جنبه کاربردی پیدا کرده است و تقابل نظریات به تقابل اعمال و رفتار مقلدان انجامیده است و جامعه امروز این اندازه اختلاف را بر نمی‌تابد و باید هرچه بیشتر دیدگاه‌ها و راه کارهای مبتنی بر فقه سنتی و اجتهادی، اما نزدیک به واقعیت موجود، ارائه گردد تا وحدت نسبی در عملکردها نسبت به رویکردهای هنری پیش آید و از تقابل و تضارب عملکردها، مانعی بر راه ترقی حکومت اسلامی فراهم نیاید. مثلاً نمی‌توان به‌طور کلی رسانه‌های عمومی، بازیگری و تصویرسازی را تعطیل کرد و یا برای آن قیودی دست‌نیافتنی زد، از طرف دیگر بازگذارن دست هنرمندان و فراخی بی‌حدومرز هنر سرانجام هنر را به ورطه ابتذال یا پوچی خواهند کشاند. پس بایسته و مناسب با مقتضیات زمان و مکان و مطابق شرع از سوی مجتهد آگاه، هنر را متعهد و مسئول نگه می‌دارد.

### ۳. اهمیت هنر نزد فقها

در فقه به دو صورت می‌توان موضوع هنر را به تصویر کشید: گاه با نگاهی جامع و فارغ از تعینات هنری و گاه با نگاه و تمرکز بر موارد خاص. در نگاه جامع، آنچه مهم است، استخراج اصل اولی این پدیده است. بر اساس اسناد شرعی، حکم اولی آن استحباب است؛ پس از تحلیل و بررسی آن دسته از مصادیق هنر که در فقه مورد اشکال واقع شده، روشن می‌شود جهت اشکال، عناوینی غیر از عنوان هنر است و این عناوین گاه با هنر مقارن و گاه مفارق با آن است (علیدوست، ۱۳۹۴: ۱).

هنر، به‌منزله نمود عملی خواست زیبایی در ساحت حیات انسان، دو مقوله بسیار مهم‌اند که با دین، اخلاق و اغلب دیگر ساحت‌های زندگی آدمی پیوندهایی وثیق دارند. از همین روی، و با نظر به فراگیری روزافزون دامنه تأثیر هنر در زندگی فردی و اجتماعی انسان در روزگار ما، ضرورت پژوهش‌های بنیادی و کاربردی، به‌ویژه با نگاهی بومی و دینی در این زمینه دوچندان شده است. نماد و بیانگری در این هنرها و همچنین ویژگی‌های هنرمند متعهد، و پس از آن اولویت‌سنجی در حوزه هنر در نظام آموزشی دینی حائز اهمیت بسزایی است (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲).

#### ۴. هنر اسلامی، ابتدال و معانی و ماهیت و مصادیق آن در فقه پژوهی صاحب جواهر و صاحب مسالک و کمی هم سایر فقها

هنر امروز از مؤثرترین و بهترین ابزار در جهت ارائه حقایق و معارف دینی است و آمیزه هنر و تکنولوژی امکانات جدیدی را به دست می‌دهد که حقایق دینی و وصف ارزش‌ها به سراسر عالم ابلاغ شود و به دست همگان برسد. نگرشی واقع‌بینانه و منصفانه نشان می‌دهد هر جا اندیشمندان اسلامی و فقیهان آگاه خود را از آن جدا کرده‌اند قطعاً هنر به دست اربابان و سودجویان اقتصادی افتاده و استفاده‌های ناروا و غیراخلاقی از آن شده است. صاحب جواهر می‌نویسد: التحقیق الرجوع فی موضوعه الی العرف... حق این است که موضوع و مصادیق آن به عرف واگذار می‌شود. امام خمینی در همین موضوع هم بحثی دارند که قابل تأمل است.

ایشان عقیده داشتند آنچه شهرت یافته که تشخیص موضوعات احکام از وظایف فقیه نیست یک اشتباه است؛ بلکه فقیه باید در موضوعات مهم تتبع و غور نماید و به نتایجی برسد؛ چون مجتهد خود از اهل عرف است. پس چرا با استفاده از روش‌های اجتهادی که در اختیار دارد به تبیین و تعیین موضوعات نپردازد. چرا باید خود مقلد اهل عرف باشد. شهید ثانی می‌نویسد: «الأولی الرجوع فیہ الی العرف فما یسمی فیہ غنا ویحرم لعدم ورود الشرع ما یضبطه فیکون مرجعه الی العرف» اولی و بهتر آن است که درباره آن به عرف مراجعه شود سپس هرچه را که عرف غنا بداند حرام است؛ چون شرع در این مسئله وارد نشده و آن را ضابطه‌مند نساخته پس مرجع آن عرف است. صاحب جواهر رجوع به عرف را ملاک تشخیص موضوع می‌داند و چون ملاک عرف در زمان و مکان متفاوت، تفاوت دارد پس نظر فقها نیز یکسان نیست. علت رجوع به عرف نبودن ضابطه از سوی شرع برای تعیین آن است.

امام محمد غزالی درباره هنر تعریفی دارد و ضمن آن هنر را سه قسمت می‌کند:

- ۱- هنر که از روی غفلت و سرگرمی بشنود این نوع هنر از لحاظ ضرر و فساد که دارد حرام است.
- ۲- کسی که دوستی زن یا کودکی در دل دارد، در حضورش هنر گوش کند تا بیشتر لذت ببرد یا سرودی که آتش عشق را گرم‌تر کند بشنود این حرام است.
- ۳- در دل صفتی نیکو باشد که شنیدن هنر آن را قوت دهد، مانند سرود و اشعار حجاج بیت‌الله الحرام، سرود نوحه‌سرایان مانند نوحه‌سرایایی حضرت داود، سرودهای شادی‌آفرین که به شادی حلال بیفزاید؛ مثلاً در عروسی، سرودهایی که عشق الهی را در دل فروزان‌تر کند. وی ضمن برشمردن عللی که هنر حلال را به حرام تبدیل می‌کند به این مورد اشاره دارد که اگر شنونده جوان باشد شهوت بر او غالب شود یا مردم عوامی باشند که به هنر به‌عنوان خوش‌گذرانی عادت کرده باشد هنر آنان حرام است.

در چیزهایی که از حرمت غنا مستثنی شده عبارت است از:

۱- در مراثی و جهت گریاندن مردم (شیخ انصاری در جامع المقاصد نقل کرده و محقق اردبیلی در «محکی شرح ارشاد» به آن قائل شده است).

۲- غنا در قرائت قرآن (محقق سبزواری) زیرا این صوت لهوی نیست.

۳- حداء برای راندن شتران.

۴- غنا در زفاف و عروسی به شرط آنکه با حرام دیگری همراه نباشد این حرام را گفته‌اند: به شرطی که باطل نخواند. مردها در مجلس وارد نشوند، او وارد مجلس مردها نشود در غیر این صورت اجرت او حرام است.

آیت‌الله خویی می‌فرماید: غنا برحسب معنای لغوی از غنای حرام فراگیرتر است و همه صداهای خوش را در بر می‌گیرد و به همین جهت در بعضی از روایات به تغنی در قرآن فرمان داده شده است.

مرحوم محدث کاشانی می‌نویسد: آنچه از مجموع اخبار و جمع عرفی بین آنها به دست می‌آید حرام بودن غنا و پیوسته‌های آن است؛ مانند مزد بر آوازخوانی، تعلیم و تعلم، شنیدن، خرید و فروش ابزار به غنای دوران بنی‌امیه (غنایی که مردان در محافل زنان وارد می‌شدند و به آواز آنان گوش فرا می‌دادند، زنان آوازخوان کلام باطل به زبان جاری می‌ساختند و با آلات و ابزار لهو بازی می‌کردند). اختصاص داد. خلاصه غنای دربردارنده فعل حرام، حرام است نه غیر آن. امام خمینی ضمن توضیح عبارت محدث کاشانی او را از جمله کسانی می‌داند که در غنا تفصیل قائل شده و آن را دو قسم می‌داند، غنای همراه با گناه که قطعاً حرام است و دیگری غنای بدون تبعات حرام که قطعاً جایز است و غنا حرمت ذاتی ندارد.

برخی اجرت زن آوازخوان را در عروسی حلال و برخی آن را حرام دانسته‌اند و علت حرام بودن آن را حرام بودن اصل غنا می‌دانند. در خصوص جایز و حلال بودن این آواز خواندن و اجرت بر آن روایتی از امام صادق (ع) وارد شده است: از طرفی روایتی بر حرام بودن این اجرت وارد شده و ملاک کسانی قرار گرفته که غنا را در مجلس عروسی حرام می‌دانند. حتی در زمان حاضر برخی از فقها با همین ملاک خرید و فروش آلات هنر حتی استفاده از وسایل هنر را حرام یا حلال دانسته‌اند و اغلب حکم به حرمت خرید، فروش آلات هنر داده‌اند و نیز آلات مشترک در حلال و حرام را مثل تلویزیون و ضبط صوت را تنها در صورتی که در حرام بکار نرود جایز دانسته‌اند

امام خمینی بعد از نقل بیش از ده تعریف برای غنا و نقد و بررسی آنها خود تعریفی به آن می‌افزاید:

صوت ترجیع مطرب، یا آنچه در عرف غناست گرچه مطرب نباشد، صدای لهوی، صدای اهل فسق و گناه و آنچه با مجالس لهو سازگاری دارد و آنچه با آلات لهو و لعب سازگاری دارد و صدای آماده شده برای مجالس لهو و لعب و صدای برانگیزاننده شهوت جنسی، صورت دربردارنده ترجیع مطرب، صوتی که نشان آن را دارد که در متعارف عرف طرب برانگیزد و طرب آن سبکی آورد به‌گونه‌ای که عقل را در آن حالت زایل می‌کند، صدایی که حسن ذاتی دارد و



نشان آن دارد که برای متعارف مردم طرب برانگیزد. ایشان همچنان در دو قید مطرب و مرجع تردید می‌کند و آن را از قیودی می‌دانند که در ساختار مفهوم غنا نقش ندارد؛ لذا در مکاسب محرمة آن را چنین توجیه می‌کنند:

... وَ لَعَلَّ الْقَيْدِينَ فِي كَلِمَاتِهِمْ لِأَجْلِ كَوْنِ الْمُتَعَارِفِ مِنَ الْغِنَا فِي أَعْصَارِهِمْ هُوَ مَا يَكُونُ مُشْتَمَلًا عَلَيْهَا، فَظَنَّ أَنَّهُ مَقْوَمٌ بِهَا.

... شاید آوردن دو قید (مطرب و مرجع) در گفتار فقها از این روست که غنا در زمان آنها مشتمل بر این ویژگی بوده است. پس احتمال داده اند که غنا متوقف و مقوم به آن دو است.

در بحث هنر تشخیص مصداق غنا نیز برعهده عرف است و در هر زمان و مکانی تعریف خاص پیدا می‌کند.

برخی فقها از آن حکم به حرمت و برخی حکم به کراهت را استنباط کرده‌اند. از جمله ابن برا محقق اردبیلی، شیخ یوسف بحرانی، شیخ انصاری و از فقهای معاصر سید محسن طباطبایی (حکیم) و سید ابوالقاسم خویقائل به این نظرند که روایات بر حرمت مطلقاً دلالت ندارد، بلکه جز پوشیدن طلا و حریر برای مردها بقیه موارد را حرام نمی‌دانند. در مقابل شهید ثانی حرمت را مختص به النگو، خلخال و جامه‌هایی که عادتاً ویژه زنان است و به اختلاف زمان و مکان تفاوت می‌کند می‌داند. سید علی طباطبائی صاحب جواهر، مرحوم نراقی و محمدجواد حسینی عاملی قائل به حرمت هستند و هر نوع پوشش مختص به جنس مخالف را حرام و آن را منحصر به طلا و حریر نمی‌دانند. اما برخی از علمای شیعه نسبت به پوشیدن لباس مختص به زنان برای تعزیه‌گردانان عاشورای حسینی یا دیگر وقایع عزاداری، اشکالی قائل نمی‌شوند.

از جمله مرحوم آیت‌الله خویی می‌نویسد:

پیش‌ازاین روشن شد در جواز پوشیدن مردان لباس زنان را، برای اظهار غم و اندوه و نمایاندن حادثه «طف» و برپا شدن عزاداری سید جوانان بهشت تردیدی نیست و پندار حرام بودن آن به‌خاطر نهی از همانندی که در اخبار آمده و سوسه‌های شیطانی است. زیرا این اخبار بر حرام بودن همانندی دلالتی ندارد.

آرایش و گریم هم اگر مصداق همانندی مرد به زن و برعکس باشد بحث‌های فوق در آن جاری است.

موارد دیگری چون شنیدن صدای زن نامحرم که قطعاً در بازیگری پیش می‌آید مشروط به آن است که با نرمی و کرشمه نباشد به‌گونه‌ای که سبب تحریک و مفسده گردد.

هرگونه تماس و ارتباط نزدیک میان بازیگران مرد و زن به‌عنوان دو نامحرم حرام است و دست‌دادن مرد و زن با یکدیگر بنا به فتوای امام خمینی در صورتی که ریه و لذت‌جویی در کار نباشد و مرد دست زن بیگانه را نفشارد جایز است. امام خمینی می‌فرماید: نظر نمودن به این قبیل فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها هیچ اشکالی ندارد. بسیاری از آنها آموزنده است. پخش آنها نیز اشکالی ندارد و همین‌طور فیلم‌های ورزشی و آهنگ‌ها اغلب بی‌اشکال است. گاهی خلاف به طور نادر

دیده می‌شود که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود. اول آن کسانی که گریه می‌کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری انجام دهد. دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند.

البته گرچه دیدن تصاویر زنان از تلویزیون و سینما در صورتی که آنان را نشناسیم و از روی ریه و لذت نباشد جایز شمرده شده؛ اما تبعاتی در بازیگری مردان و زنان وجود دارد که باید کاملاً دقت شود. حرمت نگاه به نامحرم و ابراز و آشکار نمودن آرایش و زیورات برای نامحرم و غیره و رودررو قرار گرفتن بازیگران در مقابل یکدیگر و نیز جمع کثیر فیلم‌برداران و کارگردانان و غیره قطعاً توجه و رعایت بیشتری را می‌طلبد و باید کاملاً مطابق موازین شرعی باشد.

### ۵. مجازات آن از دیدگاه این دو فقیه

هنر حقیقی وسیله‌ای است برای هدایت افراد و شکوفایی ظرفیت‌های معنوی و اگر هنر این ویژگی را دارا باشد، سبب پالایش روح و جان آدمی خواهد بود و اگر از این حقیقت عاری گردد، جز وسیله‌ای برای سرگرمی و تفاخر نبود و به‌واقع نمی‌توان نام هنر بر آن نهاد. هنر نیز از این قانون مستثنی نیست، در اسلام از انواع هنر آوایی در اذان و قرائت‌های قرآن و مانند آن استفاده شده و در مقابل از برخی از انواع مخدر و لهوی آن منع گردیده است. در متن ترجمه شده سخنرانی آقای نصر مطالبی پیرامون ابعاد شرعی و معنوی اسلام و هنر بیان شده که در بردارنده برخی نکات کلی و مبهم و در خور تأمل است که با هم مرور می‌کنیم.

در آغاز باید گفت در حرمت هنر غنایی اختلافی میان فقهای شیعه نمی‌باشد. مرحوم صاحب جواهر ادعای اجماع بر حرمت نموده است، علاوه بر آن آیات متعدد و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است، هر چند در مصادیق غنا و تعریف شرعی آن اختلاف نظر است، و در عین حال در حرمت بسیاری از موارد آن شبهه‌ای وجود ندارد و همه آن را از مصادیق غنا می‌دانند، همانند آن جا که هنر آوایی و یا ابزاری مطرب بوده و مناسب مجالس لهو و لعب باشد. در نتیجه این کلام که «در مورد این قوانین، اجماع وجود ندارد» و «هیچ حکم شرعی خاصی علیه هنر در اسلام وجود ندارد» صحیح نمی‌باشد و هم چنین بیان این نکته که «بسیاری از مراجع نبود این حکم (حرمت) را موهبتی پنداشته‌اند»، با سیره عملی و مکتوبات فقهی علمای شیعه مطابقت ندارد؛ مگر این که مراد ایشان علمای اهل سنت باشد. نصر بیان داشتند که هنر در قرآن و اذان و مداحی حلال می‌باشد؛ که مطلبی صحیح است، این دست از هنر آوایی بدون اشکال بلکه بر نیکو خواندن آنها تأکید شده است، البته در این موارد نیز احادیث متعددی وارد شده، که از غنا و خواندن به سبک و لحن‌های اهل لهو و باطل و همراه با ترجیح پرهیز شود که در صورت تخلف گناه و عذاب مضاعف دارد. ایشان درباره مطلب در خور تأملی بیان کردند که: «می‌دانیم پیامبر - صلی الله علیه و آله - اجرای هنر در مراسم عروسی را نه تنها پذیرفته، بلکه مردم را نیز ترغیب کرده است... بنابراین، هنر در مراسم عروسی و هنر در جشن‌های مختلف خانوادگی از جمله در مراسم ختنه سوزان در سراسر جهان اسلام امری پذیرفته است.

الف. اطلاق این کلام و ذکر برخی موارد دیگر در کنار مراسم عروسی صحیح نمی‌باشد، البته برخی از فقها حکم به جواز غنا در جشن شب زفاف عروسی داده‌اند. این حکم مخصوص عروسی آن هم در مجلس زنانه است. به شرط آن که زن و مرد مختلط نبوده و نامحرم صدای آنها را نشنود و مقارن با اعمال خلاف دیگر نباشد. همان گونه مرحوم صاحب وسائل در بابی تحت همین عنوان حدیثی از امام صادق ذکر نموده که امام بعد از بیان حرمت زنان آوازخوان فرمودند: مگر در مجلسی زفاف عروسی که جایز است.

ب. هیچ یک از فقهای شیعه اشاره‌ای به جواز در جشن‌های خانوادگی و مانند آن ندارد و جز در شب زفاف، سایر موارد جایز نمی‌باشد. ج. تا آن جا که دیده شده و در کتب روایی و یا فقهی مورد استفاده واقع گردیده، حکم به جواز غنا در جشن زفاف است؛ اما ترغیب پیامبر و تأکید و سفارش ایشان به این امر دیده نشده و حتی فقهایی که قائل به جواز غنا در جشن زفاف شدند به چنین روایتی اشاره و استناد نکردند.

در این جا لازم به ذکر است، مداحی و مولودی‌خوانی غیر غنایی در موارد فوق اشکال ندارد. ایشان علی‌رغم تأکید بر بیان مرز بین هنر حلال و حرام، تعریف روشنی ارائه نداده و ذکر از مصادیق هنر حرام به میان نیاورند که در این باره به بیان امام راحل و مقام معظم رهبری اکتفا می‌کنیم: امام خمینی از هنر حرام تحت عناوین لهوی و مخدر مغز و اندیشه و عامل غفلت، یاد می‌کند؛ و مقام معظم رهبری می‌گوید: هنر اگر انسان را به بیکارگی، ابتذال، بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال اینها بکشاند، هنر حلال نیست. هنر اگر انسان را از معنویت خدا و ذکر غافل کند و انسان را به گناه و شهوت‌رانی تشویق کند، هنر حرام است و اگر این خصوصیت مضر و موجب حرمت را نداشته باشد حرام نیست.

### نتیجه‌گیری

انسان فطرتاً زیبایی خواه آفریده شده است و حواس او آن‌چنان با محیط اطرافش هماهنگی یافته که نغمه دلنشین و بوی خوش، منظره دل‌فریب، لطافت و سرسبزی، برای او لذت‌آور و فرح‌بخش می‌نماید، از طرفی وقتی روح کمال‌جویی با این حس در می‌آمیزد از او انسانی آفرینش‌گر و خلاق می‌سازد. پدیده‌های جهان را گزینش کرده با احساس خود آن را بازآفرینی می‌کند و از مدد نیروی خیال از پدیده‌های هستی مقوله هنر را به نمایش می‌گذارد چنین کوششی که به آفرینش اثری زیبا می‌انجامد هنر و آفریننده آن هنرمند نامیده می‌شود. هنر تجلی احساس انسان است در قالب محسوس، زبان درون است با مخاطبانی اهل دل، حقیقت را می‌نمایاند بدون آنکه به وعظ و استدلال بپردازد. زبانی دردمند، زیبابین، پرشور که همه آدمیان را با هر ملیت و نژادی به یکدیگر پیوند می‌دهد. تکنولوژی و تمدن به هنر توانائی می‌بخشد و آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی به اقصی نقاط جهان انتقال می‌دهد. هنر نیرویی خدادادی و ابزاری است ارزشمند که می‌توان آن را به استخدام اندیشه‌ها و اهداف عالی انسانی و نشر معارف اسلامی و گسترش عدالت اجتماعی درآورد. بدین سان، هنر از جایگاه متعالی، کارکردهای ویژه تأثیرات بی‌نظیری در فرایندهای فرهنگی، اخلاقی، آموزشی و نیز بیان وقایع و احساسات برخوردار است؛ و همین نکته بر ضرورت و اهمیت آن در خصوص هنر مهر تأیید

می‌نهد. جای شگفتی است که نوع انسانی با این همه عظمت‌هایی که در به‌وجود آوردن آثار هنری یا در بهره‌برداری از آن‌ها، از خود نشان می‌دهد، پیش‌تازان علوم انسانی کمتر به این فکر افتاده‌اند که درباره مختصات مغزی و روانی بشری که به‌وجود آورنده و درک کننده هنر است، درست بیندیشند و در تقویت آن مختصات از راه تعلیم و تربیت‌های منطقی بکوشند، مولوی می‌گوید: معنای «هنر برای انسان در حیات معقول» این است که ما هنر را، چه با نظر به جامعه‌ای که از اثر هنری برخوردار می‌شود، یک واقعیت بسیار باارزش تلقی می‌کنیم که حذف آن از قاموس بشری چندان تفاوتی با حذف انسانیت انسان ندارد، ولی این مطلب را اضافه می‌کنیم که حیات معقول یک هنرمند آن نیست که هدف او از به‌وجود آوردن اثر هنری فقط جلب تحیر و شگفتی مردم بوده باشد، بدون اینکه حقیقتی سودمند را در جریان زندگی آنان وارد نماید و چون چنین کار بزرگی تقریباً امکان‌ناپذیر یا خیلی دشوار است، لذا بایستی نتایج فعالیت‌های مغزی نوابغ را در قلمرو مربوط به انسان‌ها به‌وسیله کارشناسان متخصص و عادل مورد بررسی و تحقیق قرارداد، وقتی که کاملاً اثبات شد که ضرری به حیات معقول و رو به تکامل انسان‌ها ندارد، به طور رسمی برای جوامع مطرح شوند، مخصوصاً اگر این قانون را در نظر بگیریم که اکثریت قریب به اتفاق مردم عظمت اثر هنری را در آن می‌بینند که شگفتی آنان را جلب نماید و کاری با محتوای واقعی و پی‌آمدهای روانی و اجتماعی آن ندارند.

## منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم

- آیت‌الله خویی، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). مصباح‌الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی. ج ۱، چ سوم، قم: انتشارات وجدانی.
- اردبیلی، احمد. (۱۳۷۸). زبده البیان فی براهین احکام القرآن، قم: انتشارات مؤمنین.
- اردبیلی، احمد. (۱۴۱۴). مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- ابن ابی‌جمهور، محمد بن علی. (۱۴۰۳). عوالی اللئالی، ج ۳ و ۴، قم: مطبعه سید الشهداء.
- ابن ادریس حلی، احمد. (۱۴۱۱). السرائر، ج ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶). المذهب، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن حنبل، احمد. (بی‌تا). مسند امام احمد بن حنبل، ج ۳، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۴۲۸). بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، ج ۶، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن فهد، حلی. (١٤١٢). المهدب البارع، ج ٥، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (١٣٩٥). سنن، ج ٢، دار احیاء التراث الوبی.
- انصاری، مرتضی. (١٤٢٨). کتاب المکاسب، ج ٣، قم: مجمع الفکر اسلامی.
- ابو حنیفه، نعمان بن محمد. (١٣٨٣). دعائم الاسلام، ج ٢، قم: دار المعارف.
- ابی الصلاح حلبی، تقی الدین. (١٤٣٠). الکافی فی الفقه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤١٤). صحیح بخاری، ج ٦، ج ١، بیروت: دار بن کثیر - الیمامه.
- جزیری، عبدالرحمن. (١٤٢٠). الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ٥، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). وسائل الشیعہ، ج ١٩، بیروت: دار احیاء التراث الوبی.
- حر عاملی، جواد. (١٣٧١). مفتاح الکرامه، ج ٤، قم: آل البیت، قم.
- خمینی، روح اله. (١٤٢٤). تحریر الوسیله، ج ٢، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خوانساری، احمد. (١٣٤٤). جامع المدارک، ج ٧، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابو القاسم. (١٤٢٨). مبانی تکمله المنهاج، ج ٢، قم: مؤسسه احیاء آثار امام.
- راوندی، سعید. (١٤١٠). فقه القرآن (سلسله الینابیع الفقهیه)، ج ٢٤، بیروت: دار التراث.
- زهیلی، وهبه. (١٤٢٥). الفقه الاسلامی و ادله، ج ٧، دمشق: دار الفکر.
- سبزواری، عبدالعلی. (١٤١٧). مهذب الاحکام، ج ٢٨، قم: مؤسسه المنار.
- سید سابق. (١٤١٦). فقه السنه، ج ٣، بیروت - قاهره: دارالجلیل - الفتح الادعام الوبی.
- سید مرتضی، علی بن الحسین. (١٤١٥). الانتصار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد. (١٤٢٧). تفصیل الشریعه (کتاب القصاص)، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار (ع).
- فاضل، مقداد. (١٤٠٤). التنقیح الرائع، ج ٤، قم: نشر مکتبه آیه الله المرعشی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (١٤١٦). کشف اللثام، ج ١١، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن. (١٣٨٩). ایضاح الفوائد، ج ٤، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیاض، محمد اسحاق. (بی تا). محاضرات فی اصول الفقه، ج ٥، قم: دار الکتب العلمیه.



فیض، محمدحسن. (۱۴۰۱). مفاتیح الشرایع، ج ۲، قم: مجمع الزخائر الاسلامیه.

#### مقالات

علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). «فقه هنر در دو نگاه جامع و تعیینات موردی»، قبسات، ش ۷۸، صص ۲۱-۱۰.

تاجیک، علی‌رضا؛ سربخشی، محمد. (۱۳۹۰). «هنر دینی و هنر متعهد در اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱(۹)، صص ۳۳-۱۰.